

عزای دو فرزند و یک نوه اش زمعه، عقیل و حارث بن زمعه که در بدر کشته شدند، بر خلاف مکیان که از ترس شماتت مسلمانان نمی گریستند، بسیار گریست. ^۱ طبری ^۲ آورده است که همه مسخره کنندگان پیامبر ﷺ پیش از بدر نابود شدند. این گزارش او را نیز شامل می شود؛ ولی صدوق مرگ وی را پس از بدر یاد می کند ^۳ که با دیگر داده های تاریخ سازگارتر است. ^۴ بلاذری به نقل از واقدی، سن سن او را نزدیک به ۱۰۰ سال دانسته است. ^۵

◀ منابع

الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکاء، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ البدایة و النهایة: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش علی محمد و عادل احمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق؛ تاریخ یعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تفسیر العیاشی: العیاشی (م. ۳۲۰ق.)، به کوشش

رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمية الاسلامیه؛ تفسیر القمی: القمی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش الجزایری، لبنان، دار السورور، ۱۴۱۱ق؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی (م. ۶۷۱ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ الخصال: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ السدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ روح المعانی: الاکوسی (م. ۱۲۷۰ق.)، به کوشش محمد حسین، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ سبل الهدی: محمد بن یوسف الصالحی (م. ۹۴۲ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ السیرة النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۳-۸ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المكتبة العلمیه؛ مروج الذهب: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ المعتمد: المحقق الحلی (م. ۶۷۶ق.)، مؤسسة سید الشهداء، ۱۳۶۳ش؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق.

سید علی رضا واسعی



ابوسعده ورامینی: از معماران حرمین

شریفین

رضی الدین ابوسعده / ابوسعده ورامینی در اواخر سده پنجم و نیمه نخست سده ششم ق. در ورامین می زیسته؛ اما از زمان تولد و مرگ

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۱.

۲. جامع البیان، ج ۱۴، ص ۹۶.

۳. الخصال، ج ۱، ص ۲۸۰.

۴. المغازی، ج ۱، ص ۱۲۲-۱۲۳؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۱.

۵. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۳۶۲؛ التبیان، ج ۱۰، ص ۴۲۰؛ تفسیر

قرطبی، ج ۲، ص ۱۲۳.

(افراطی در شیعه‌گری) دانسته است.^۶ عبدالجلیل قزوینی در گزارشی، ابوسعبد را در رتبه خواجهگان و بزرگان و رؤسای با اعتبار یاد کرده و از او در شمار معماران بیت الله الحرام و مسجدالنبی ﷺ نام برده است.^۷ محدث ارموی با بهره‌گیری از سخنان عبدالجلیل، ابوسعبد را در ردیف جواد اصفهانی* (م. ۵۵۸ق.م) از بنیان برخی فعالیت‌های مذهبی و خیرخواهانه در مدینه دانسته است.^۸ کارهای ابوسعبد مانند ساختن بناها و مشاهد ائمه علیهم‌السلام موجب شد تا از سوی برخی سنّیان، به گورپرستی و رافضی بودن متهم شود.^۹ قزوینی از فرزندان وی نیز تمجید کرده و آنان را از خیرین و احسان‌کنندگان شمرده و به ویژه از حسین با وصف عالم، زاهد و عماد الحاج و الحرمین یاد کرده است.^{۱۰}

ابن جبیر در گزارشی، مردی بزرگ و ثروتمند را از سرزمین پارسیان یاد می‌کند که ثروتش را در راه توسعه و آبادانی مسجدالحرام هزینه می‌کرد و بازسازی تنوره چاه زمزم و قبه آن را به او نسبت می‌دهد. بر پایه برخی قراین، مقصود ابن جبیر در این

او اطلاعی دقیق در دست نیست و منابع کمتر به او پرداخته‌اند. ورامین از سده چهارم در زمره شهرهای شیعه‌نشین بوده و خاندان‌های مشهور، از جمله خاندان ابوسعبد ورامینی، از آن برخاسته‌اند.^۱ او از نام‌آوران شیعه ورامین بوده و به اعتقاد عبدالجلیل قزوینی، از همین رو، مورخان اهل سنت کمتر بدو پرداخته‌اند.^۲ او و خاندانش برای رونق و آبادانی شهر خود بسیار کوشیده‌اند. بنای مسجد جامع، مدرسه رضویه و فتحیه در ورامین را می‌توان از کارهای آنان به شمار آورد.^۳ شهرت او و فرزندش حسین در جهان اسلام از این روست که در تعمیر و مرمت حرمین شریفین و احسان و بخشش به حاجیان و زائران فعال بوده‌اند.^۴

سمعانی (م. ۵۶۲ق.م) ذیل عنوان «ورامینی» ابوسعبد را از معاصران خود دانسته و او را به بزرگی ستوده و یاد کرده که وی ثروتش را در راه آبادانی حرمین شریفین به کار گرفته است.^۵ سماعنی از فرزند ابوسعبد، حسین، نیز یاد کرده و به کثرت حج‌گزاری وی و رغبتش به خیرات و صدقات اشاره و او را شیعه‌غالی

۶. تعلیقات النقض، ج ۲، ص ۷۹۳-۸۰۰.

۷. تعلیقات النقض، ج ۲، ص ۷۹۳.

۸. تعلیقات النقض، ج ۲، ص ۷۹۳.

۹. النقض، ص ۱۷۱، ۲۲۶.

۱۰. تعلیقات النقض، ج ۲، ص ۷۹۳-۸۰۰.

۱. النقض، ص ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۹۴؛ اطلس شیعه، ص ۲۱۳.

۲. النقض، ص ۲۲۶؛ تعلیقات النقض، ج ۲، ص ۷۹۳.

۳. النقض، ص ۱۷۱، ۲۲۶.

۴. الانساب، ج ۵، ص ۵۸۷.

۵. الانساب، ج ۵، ص ۵۸۷.

ابوسعید ایلخانی ← بهادر خان

ابوسعید خُدَری: صحابی رسول خدا ﷺ

از فقیهان مدینه، راوی احادیث فراوان

سعد بن مالک بن سنان انصاری از تیره خزرج ۱۰ سال پیش از هجرت در یثرب زاده شد. وی به کنیه اش شهرت داشت.^۳ چون نیای او خدره نام داشته^۴، او را خدَری گفتند.^۵ مادرش انیسه دختر ابو حارثه از قبیله بنی نجار، از زنانی بود که با رسول خدا ﷺ بیعت کردند.^۶ پدرش مالک بن سنان در غزوه احد به شهادت رسید.^۷ پیمان برادری او با حویصه بن مسعود بن کعب برقرار شد.^۸ در غزوه خندق و نبردهای پس از آن^۹ و نیز در بیعت رضوان^{*} به سال ششم ق. حضور داشت.^{۱۰}

ابوسعید در جنگ بدر به سبب خردسالی حضور نداشت. ۱۳ ساله بود که پدرش او را

۳. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۶۳۸؛ تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۵۲۵؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۷۲.

۴. نسب المعد، ج ۲، ص ۷۲؛ الاصابه، ج ۳، ص ۶۵.

۵. المعارف، ص ۲۶۸؛ جمهرة انساب العرب، ص ۳۶۲؛ الاصابه، ج ۱، ص ۸۸.

۶. المغازی، ج ۱، ص ۳۰۲؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۶۷۱؛ الاصابه، ج ۸، ص ۳۷.

۷. جمهرة انساب العرب، ص ۳۶۲؛ اسد الغابه، ج ۴، ص ۲۵۱.

۸. الطبقات، ج ۲، ص ۹۶.

۹. الاکمال، ص ۱۰۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۶۹.

۱۰. الاکمال، ص ۱۰۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۶۹.

گزارش، ابوسعید است که این کارها را در زمان جد امیر مکتب، امیر مکه در سال‌های پس از ۵۱۸ق. هنگام حضورش در مراسم حج انجام داده است.^۱

از کسانی که ابوسعید و فرزندش حسین را با شکوه فراوان یاد کرده، رازی، شاعر شیعه با تخلص «قوامی» است که ترجیع‌بندی مشتمل بر ۱۱۶ بیت در مدح او سروده است. نیز در ترجیع‌بندی دیگر با ۴۴ بیت که گویا هنگام حضور حسین فرزند ابوسعید در سفر حج سروده شده، وی را به سبب اهتمامش به کعبه ستوده و به بخشنده‌گی و کرم وصف کرده است.^۲

← منابع

اطلس شیعه: رسول جعفریان، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷ش؛ الانساب: عبدالکریم السمعانی (م. ۵۶۲ق.)، بیروت، دار الجنان، ۱۴۰۸ق؛ تعلیقات نقض: میرجلال الدین ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ش؛ دیوان شرف الشعراء: بدر الدین قوامی رازی، به کوشش حسینی ارموی، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۳۴ش؛ رحلة ابن جبیر: بیروت، دار صادر، ۱۴۰۰ق؛ کلید نقض و تعلیقات آن: حسینی ارموی، تهران، ۱۳۵۸ش؛ النقض: نصیر الدین ابورشید عبدالجلیل قزوینی رازی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ش.

سیدجعفر جوادی



۱. رحلة ابن جبیر، ص ۱۰۴-۱۰۶.

۲. دیوان شرف الشعراء، ص ۱۸۱-۱۸۵.